می‌خواهم روان‌شناس محقق شوم

فاطمه رستموندی آغمیونی-رتبه ۶ علوم انسانی / تهران

۶

کمترین نمره‌ای که فاطمه رستموندی آغمیونی درطول تحصیلش گرفته ۱۸/۷۵ است آن هم از درس سلامت و بهداشت کلاس دوازدهم که انگار تا دقیقه ۹۰ گفته بودند امتحان نهایی ندارد ولی در وقت تلف شده، نهایی برگزارش کرده‌اند. همین نمره، معدل دیپلم فاطمه را چند صدمی کشانده زیر ۲۰، اما برای او که عاشق علوم انسانی است چه فرقی می‌کند که ۲۰ بگیرد یا چند صدم پایین‌تر. فاطمه کلاس کنکور نرفته ولی در بعضی از آزمون‌های آزمایشی شرکت کرده و چند تایی هم کتاب کمك آموزشی خوانده، دیروز هم گفت اگر یکی از موسسات کنکوری که پول می‌دهند و بعضی‌ها را مجبور می‌کنند که بگویند با معجزه این موسسات، رتبه برتر شده اند او وسوسه نخواهد شد و جلوی دوربین چنین موسساتی نخواهد رفت. مهم‌تر از این قاطعیت اما این است که او راهش را پیدا کرده و می‌داند که روان‌شناسی خواهد خواند نه البته از نوع بالینی بلکه به سبکی که او بشود یك خانم روان‌شناس پژوهشگر.

برترین‌های کنکور ۹۸ در گفت‌وگو با جام جم از تجربه موفقیت خود می‌گویند

ما شاخ کنکور را شکستیم

گروه جامعه

داستان کنکور سال‌هاست یك شکل است، اواسط تیر برگزار می‌شود و اواسط مرداد یك میلیون و چند ده هزار نفر از هرانچه کرده‌اند باخبر می‌شوند، بعدش هم سه چهار روزی وقت انتخاب رشته دارند تا شهریور که و تکلیف همه مشخص می‌شود. امسال هم یك میلیون و ۱۸ هزار نفر در ۳۸۱ شهرستان و ۱۹ کشور خارجی همزمان با هم در پنج گروه آزمایشی، آزمون دادند که ۵۸ درصدشان زن بودند و ۴۲ درصدشان مرد، بیشتر نیز متقاضی رشته تجربی با ۶۳۷ هزار شرکت‌کننده و کمتر خواهان رشته ریاضی با ۱۶۸ هزار داوطلب.

با این‌که امسال هم به رسم سال‌های متمادی، دخترها بیشتر از پسرها در کنکور شرکت کردند ولی باز هم در رتبه‌های برتر، غلبه با پسرهاست؛ در ریاضی ۹ پسر، در تجربی هشت پسر و در زبان‌های خارجی چهار پسر در دو رشته انسانی و هنر اما هنوز فضا دخترانه است و شش نفر از ده نفر برتر و در هنر چهار نفر از پنج فرد نخست، دختر هستند. هرکدام از اینها تا به این نقطه پرافتخار برسند راه طولانی طی کرده‌اند و مسیرهای ویژه را پیموده‌اند که ما با ۱۲ نفرشان حرف زده‌ایم، راجع به راهی که آمده‌اند و راهی که خواهند رفت.

علیرضا سخایی‌راد- رتبه یك ریاضی فیزیك/ اهواز

دن براون نویسنده مورد علاقه‌ام است

۱

نرگس شاکر، مادر علیرضا و کارشناس ارشد رشته آبیاری است. او تعریف می‌کند از همان روزهای اول که علیرضا به دنیا آمد، می‌دانسته با بقیه بچه‌ها فرق دارد. در ریاضیات از همه همسالانش بهتر عمل می‌کرده است. به خاطر همین هم معلم‌هایش به پدر و مادر او می‌گویند بهتر است چند کلاسی را جهشی بخواند که البته پدر و مادرش به خاطر ریزنقش بودن او قبول نمی‌کنند. علیرضا خود درس می‌خواند و برای خود برنامه‌ریزی می‌کند، مادرش می‌گوید: «هیچ مشاوری نداشت وخودش به صورت حجمی برای خود برنامه‌ریزی نکرده است.» درست است که علیرضا برنامه تحصیلی را خود انجام می‌داده، مادر اما روی عملکرد او نظارت داشته است. داستان شنیدن خبر رتبه برتر کنکور شدن علیرضا جالب است. او می‌گوید: «ساعت ۱۰ صبح بود و من خواب بودم که تلفنم زنگ خورد. به من خبر دادند رتبه برتر کنکور شده‌ام.» علیرضا حدس می‌زده که جزو نفرات برتر باشد، اما فکر می‌کرده این دوستانش هستند که با او تماس گرفته و با او شوخی کرده‌اند. حال این که تماس از سازمان سنجش بوده است. علیرضا تعریف می‌کند خیلی تمرین کرد تا خود را آرام نشان دهد، اما شنیدن خبر مهم زندگی او که آرامش برنمی‌دارد و او نهایت هیجان‌زدگی را نشان داده است. علیرضا هشت ساعت در روز درس می‌خوانده و در هیچ کلاس کنکوری هم شرکت نمی‌کرده. او اما از علایقش غافل نبوده است. زمانی که برای کنکور درس می‌خوانده، به علاقه خود، یعنی ادبیات هم توجه داشته است. او عاشق ادبیات فانتزی و علمی- تخیلی است و اتفاقا کتاب‌های دن براون را هم خیلی دوست دارد. او می‌گوید: «یك تحقیق علمی ثابت کرده که آن بخش عقل که ریاضیات را دوست دارد، درك ادبیات را هم تشکیل می‌دهد.» به‌جز علاقه به ادبیات فانتزی، او به شعر هم علاقه دارد و از شاعران کلاسیك، مولانا را دوست دارد. او هنوز تصمیم نگرفته در دانشگاه چه چیزی بخواند، اما از بین رشته‌های ریاضی، مهندسی برق و رشته کامپیوتر را بیشتر از همه دوست دارد.

آریا جلالی- رتبه ۴ ریاضی/ لاهیجان

یك روز بازی می‌کردم

۴

اولین سوالی که همه از نفرات کنکور می‌پرسند، مدت زمان درس خواندن است. آریا اما در کنار ۱۱ ساعتی که در طول روز درس می‌خوانده، یك روز تمام هم برای بازی رایانه‌ای که دوست داشته زمانی گذاشته است. ساعت ۱۱ صبح دیروز بود که آریا متوجه می‌شود رتبه ۴ کنکور سراسری در رشته ریاضی فیزیك را کسب کرده است. به خاطر همین خبر هم تا به حال به ۱۴،۱۵ نفر از همکلاسی‌ها و معلم‌هایش قول شیرینی داده است. روش آریا برای درس خواندن، عجیب و غریب نبوده است. او که خود در مدرسه تیزهوشان درس می‌خوانده، تنها کتاب درسی را ملاك قرار داده است. او به ما می‌گوید: «شانس آوردم امسال همه سوالات از کتاب درسی آمد و منبع به کل، از کتاب بود.» این را برای این می‌گوید که در آزمون‌های آمادگی، شرایط طور دیگری بوده است. منابع آزمون‌ها اغلب از خارج از کتب درسی بوده و همین باعث می‌شده که او در این آزمون‌ها رتبه ۷۰۰۰ بگیرد، به خاطر همین رتبه ۴ کنکور سراسری سال ۹۸، خیلی کم احتمال می‌داده در کنکور رتبه زیر تك‌رقمی بگیرد. انتخاب آریا برای انتخاب رشته، مهندسی برق دانشگاه صنعتی شریف است. او معتقد است حالا بسیاری از هم‌رشته‌ای‌هایش به سمت رشته کامپیوتر تمایل پیدا کرده‌اند و همین باعث شد او ترجیح بدهد رشته برق را انتخاب کند. آریا تك‌فرزند است. پدرش داروساز و مادرش هم پزشك عمومی است. از او که درباره آینده می‌پرسیم، می‌گوید: «فعلا تصوری از دانشگاه ندارم. ترجیحم این است به دانشگاه وارد شوم و بعد ببینم چه اتفاقی می‌افتد تا در لحظه تصمیم بگیرم.»

امیرشایان چادگانی‌پور-رتبه ۲ زبان‌های خارجی/ اصفهان

نگران دوری از خانواده

۲

امیرشایان خواب بوده است که مادرش صدایش می‌کند از خبرگزاری تماس گرفته‌اند و با تو کار دارند؛ وقتی می‌پرسد چه‌کار دارند، تازه آنجا می‌فهمد که رتبه دوم کنکور زبان شده است: «رشته اصلی من تجربی بود و برای درس خواندن، خیلی روی زبان زوم نکرده بودم اما زبان همیشه آن چیزی بود که در زندگی من جریان داشت؛ آن‌قدر که از بچگی کارتون‌های زبان اصلی می‌دیدم و همین‌ها هم به من کمك کرد بتوانم کنکور زبان را خوب بدهم. بعد از کنکور هم خودم می‌دانستم تست‌ها را خوب زده‌ام اما نمی‌دانستم بقیه چقدر خوب زده‌اند.» رتبه دوم کنکور زبان، اما چشم امیدش به نتایج کنکور تجربی است: «جزو نفرات برتر کنکور تجربی نبوده‌ام اما هنوز خیلی امیدوارم که رتبه‌ام خوب شده باشد و بتوانم رشته‌های زیستی و پزشکی را در عرصه علمی ادامه بدهم. واقعیت این است که بیشتر هدف من این است که در عرصه پزشکی فعالیت کنم و در کنارش زبان انگلیسی را هم بخوانم؛ چون پزشکی اگر همراه با زبان باشد، می‌تواند در دنیا موفقیت‌آمیز باشد.» اما امیرشایان، از همین حالا برای انتخاب دانشگاه دودل است: «چیزی که این روزها خیلی به آن فکر می‌کنم، بیشتر از انتخاب رشته، انتخاب شهر است. خب من به خانواده‌ام خیلی وابسته‌ام، برای همین نمی‌دانم تهران را انتخاب کنم یا نه و تصمیم سختی برایم است؛ شاید برای همین است که اصلا نمی‌توانم به مهاجرت تحصیلی فکر کنم.»

مرجان حاتمی ورزنه- رتبه ۴ هنر/ تهران

مجسمه‌ساز می‌شوم

۴

مرجان از شب قبل از اعلام نتایج خوابش نبرده و صبح خیلی زود، رتبه تك‌رقمی‌اش را در سایت سازمان سنجش دیده است؛ رتبه‌ای که خیلی هم برایش دور از انتظار نبوده است: «با این‌که انتظار رتبه خوب را داشتم اما با دیدن رتبه ۴ خیلی خوشحال شدم و نتیجه زحماتم را گرفتم. من خیلی درس خوانده بودم و روی رتبه‌های تك‌رقمی آزمون‌های آزمایشی‌ام حساب کرده بودم ولی کنکور هنر امسال آنقدر سخت بود که فکر می‌کردم نتیجه دلخواهم را نگرفته‌ام، اما بعد از کنکور که با دوستانم صحبت کردم، فهمیدم که هنوز می‌توانم امیدوار باشم.» البته ریاضی مرجان آنقدر خوب بوده که در سال‌های اول دبیرستان رشته ریاضی را انتخاب کرده اما در نهایت نتوانسته از علاقه‌اش دست بکشد و فقط در کنکور هنر شرکت کرده است: «هم من و هم خانواده‌ام فکر می‌کردیم چون درسم خوب است و در ریاضی هم قوی هستم، بهتر است در رشته ریاضی تحصیل کنم و اگر خواستم، سال آخر تغییر رشته بدهم اما در سال آخر کاری کرد که ما نمی‌توانستیم تغییر رشته بدهیم و سر همین موضوع خیلی اذیت شدیم. درنهایت این شد که من حتی در کنکور ریاضی شرکت هم نکردم و فقط سر جلسه آزمون هنر رفتم و خدا را شکر که نتیجه هم گرفتم.» مرجان معتمدی می‌خواهد رشته مجسمه‌سازی دانشگاه تهران را انتخاب کند: «من می‌دانم آدم‌هایی که در رشته هنر فعالیت کرده‌اند، خیلی اذیت و محدود شده‌اند ولی هیچ‌وقت نتوانسته‌اند حرف واقعی‌شان را بزنند. راستش خیلی دوست دارم کاری کنم که جو حاکم بر هنر در جامعه عوض شود.»

محمدمهدی ابوترابی- رتبه ۱۰ ریاضی/ تهران

سریال شیرینی

۱۰

خبر را از دوست صمیمی‌اش شنیده است، این که رتبه ۱۰ رشته ریاضی کنکور سراسری را کسب کرده است. هرچند محمدمهدی فکر می‌کرده دوستش شوخی کرده، اما بعد می‌بیند رتبه تك‌رقمی گرفته است و همین می‌شود که به خیلی از دوستان و مشاوران مدرسه شیرینی داده است. خودش می‌گوید تا دیروز حدود ۲۰۰-۳۰۰ هزار تومان پول شیرینی داده است. محمدمهدی آخرین فرزند خانواده است. یك برادر بزرگ‌تر دارد که به قول خودش، زیاد هم رتبه خوبی نداشته است. رتبه برادرش در دانشگاه، هزار بوده و حالا دانشجوی رشته معماری است. او می‌گوید: «هیچ کسی فکر نمی‌کرد من در کنکور این رتبه را به دست بیاورم.» مادر خانه‌دار او اما تنها کسی بود که به استعداد محمدمهدی ایمان داشت. ابوترابی توضیح می‌دهد در هیچ کلاس کنکوری شرکت نمی‌کرده و تنها هزینه‌ای هم که برای کنکور پرداخته، خرید کتاب بوده است. خرید کتاب‌های کنکور فقط یك میلیون تومان هزینه برای او داشته است. او تصمیم خود را برای انتخاب رشته گرفته و در دانشگاه صنعتی شریف، رشته کامپیوتر را انتخاب خواهد کرد. او می‌گوید: «من تحقیق کردم و دیدم بازار کار رشته کامپیوتر خیلی خوب است.» محمدمهدی، پیشینه کدنویسی و کار در برنامه‌نویسی را دارد و احتمال می‌دهد در این رشته موفق عمل کند.

علی حاجیان-رتبه ۵ علوم انسانی / لار

عاشق علوم انسانی و شیفته ادبیات

۵

در شهر لار استان فارس رتبه پنجم کنکور علوم انسانی ۹۸ جوانی متولد سال ۸۰ است که هم پخته‌تر از هر ۱۸ ساله دیگری است و هم شجاع‌تر از خیلی‌ها. او به پیشنهاد معلمانش سال دهم را با رشته تجربی شروع کرد، همان سال هم شاگرد اول کلاس شد ولی تجربی به دلش نچسبید و حالش را خوب نکرد، حتی با خودش صادقانه گفت من آدمی نیستم که پزشك شوم و بنشینم گوشه مطب به انتظار یك بیمار. پس شهامت به خرج داد و رشته‌اش را عوض کرد و رفت دنبال علاقه‌اش، پی علوم انسانی که پر است از تاریخ، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، ادبیات و بقیه چیزهای خوب. علی حاجیان می‌خواهد در دانشگاه روان‌شناسی بخواند، ولی حقوق را هم دوست دارد و این روزها دو دل است و قرار است از مشاور کمك بگیرد و به جنگ تردیدهایش برود. برای همین وقتی از او پرسیدیم آینده علی حاجیان چه شکلی خواهد شد، کمی فکر کرد و گفت شاید بشوم علی حاجیان وکیل، قاضی، جامعه‌شناس یا علی حاجیان روان‌شناس. خوبی زندگی او این است با این که شاخ کنکور را حسابی شکسته ولی همه زندگی را فدای کنکور نکرده؛ او روزی هفت هشت ساعت درس خوانده، کتاب‌های مورد علاقه‌اش را نیز خوانده، فیلم هم دیده، موسیقی نیز گوش داده و حتی در اینترنت و فضای مجازی نیز چرخ زده، ولی چون هدف داشته، شده است یکی از رتبه‌های برتر کنکور.

فاطمه شب‌خیز- رتبه یک علوم انسانی / لار

فکر می‌کردم رتبه‌ام ۱۰۰ شود

۱

دیروز بخش‌هایی از حرف‌های فاطمه لابه‌لای خنده‌های خانواده‌اش گم می‌شد چون درهای باز بهترین دانشگاه‌های کشور و بهترین رشته‌ها روی این دختر متولد ۷۹ باز شده و آینده حتما برایش روشن و آفتابی است. فاطمه شب‌خیز که مدرسه فرزانگان درس خوانده و معدل دیپلم‌اش ۱۹/۹۵ شده و به‌جز همه ۲۰هایی که از همه درس‌ها صید کرده فقط یك ۱۹/۲۵ از درس سلامت و بهداشت گرفته اما هنوز مردد است که چه رشته‌ای بخواند. او عاشق علوم انسانی است، شیفته همه چیزش، انگار علوم انسانی را ساخته اند برای روح او یا روح او را برای علوم انسانی؛ خودش که این را می‌گوید. فاطمه از دیروز که اول شدنش در کنکور را فهمیده مانده است بر سر دوراهی حقوق یا دبیری ادبیات فارسی. او می‌داند اگر حقوق بخواند و وکیل شود ممکن است مثل خیلی از وکلای جوان بیکار بماند، اما مطمئن است اگر برود دانشگاه فرهنگیان و دبیری بخواند شغلش تضمین شده است. با این حال هنوز مردد است و منتظر تماس مشاوران سازمان سنجش است که برای انتخاب بهترین مسیر کمکش کنند. فاطمه‌ای که ما دیروز با او گپ زدیم هرگز فکر نمی‌کرد رتبه یك کنکور شود، او می‌گوید تصورش این بوده که رتبه‌اش صد می‌شود چون نه کلاس کنکور رفته بود، نه از تفریح و زندگی عادی‌اش زده بود و نه از روزی بیشتر از هفت هشت ساعت درس خوانده بود.

شهریار رجایی فیروزآبادی-رتبه ۳ زبان‌های خارجی/ تهران

از نسل پزشکی

۳

همه هم و غم شهریار رجایی رشته تجربی بوده است اما حالا نفر سوم رشته زبان است: «خیلی از افراد فامیل و خانواده ما خارج از کشور ساکن هستند و این رفت و آمدها باعث شده بود زبان من تقویت شود. معلم‌هایم هم که تسلط من بر زبان انگلیسی را دیدند، پیشنهاد کردند در آزمون زبان هم شرکت کنم و خب همان هم شد و توانستم رتبه بیاورم.» شهریار با نفر اول رشته تجربی همکلاس بوده است: «من از عید سال سوم دبیرستان شروع به درس خواندن کردم و در هیچ کلاس کنکوری شرکت نکردم، چون مدرسه‌مان خیلی خوب بود و بهترین معلم‌ها را داشت و برنامه‌های منظمی برایمان می‌ریخت؛ حضور یکی از همکلاسی‌هایمان که حالا رتبه اول تجربی شده است هم نشان می‌داد که کجا بهتر از همین مدرسه خودمان؟» شهریار می‌داند که کنکور تجربی‌اش را هم خوب داده است: «می‌دانم که رتبه خوبی به دست می‌آورم ولی شاید آن چیزی که می‌خواهم نتوانم قبول شوم؛ خب من پزشکی شهید بهشتی را می‌خواهم و امیدوارم که رتبه‌ای به دست بیاورم که بتوانم به آن برسم.» اینطور که مشخص بود شهریار هیچ برنامه‌ای برای رتبه برتر زبانش ندارد: «راستش را بخواهید من سومین نسل در خانواده‌مان هستم که قرار است پزشك بشوم. برای همین هم برنامه‌ای برای رتبه تك‌رقمی زبانم ندارم و همه فکر و ذکرم برای رتبه علوم تجربی‌ام است.»

سارا سادات کریمی-رتبه ۱ هنر-تهران

در جست‌وجوی منابع

۱

سارا سادات کریمی منتقد است و نمی‌خواهد صحبت کند، چون انتقاداتش به روند کنکور بیشتر از خوشحالی‌هایش است، ولی بالاخره راضی می‌شود: «اعتراض من به سیستم کنکور هنر و اهمیت پایینش نسبت به بقیه گروه‌ها است. واقعیت این است که منابع کنکور هنر مثل منابع دیگر رشته‌ها مشخص نیست؛ در واقع سازمان سنجش منابعی برای این رشته اعلام می‌کند، ولی شما در سر جلسه کنکور با سوال‌هایی مواجه می‌شوی که در منابع آموزش پرورشی نبوده است. این روالی است که از سال اول برگزاری کنکور بوده و هنوز هم ادامه دارد، اما سارا با علم به این شرایط، باز هم در کنکور هنر شرکت می‌کند: «من اوضاع را می‌دانستم، ولی به دلیل علاقه‌ام باز هم آن را انتخاب کردم، اما شرایط سختی بود. بعضی از سوال‌های موجود در کنکور هنر منبع آزاد دارند و آدم که نمی‌تواند همه کتاب‌های موجود در یك زمینه را بخواند، می‌تواند؟ همه این شرایط اضطرابی را برای بچه‌های کنکور هنر ایجاد می‌کند که می‌تواند بر نتیجه‌شان تاثیر بگذارد.» سارا می‌گوید بدون کمك از آموزشگاه قطعا نمی‌توانسته نتیجه دلخواهش را بگیرد: «من یکی از کمك‌های اصلی‌ام را آموزشگاه می‌دانم، چون منابع آنقدر دیر اعلام می‌شود که مجبور بودیم با سیستم استادها پیش برویم و من اگر به صورت شخصی می‌خواندم و به آموزشگاه نمی‌رفتم، به فهرست منابع دسترسی نداشتم. از طرف دیگر کتاب‌ها نظام جدید شده و ما مجبور بودیم کتاب نظام قدیم را هم بخوانیم و این بدون کمك اساتیدمان ممکن نبود.»

محسن راستکار

رتبه ۲ رشته تجربی / تبریز

۲

غافلگیری با موسسه کمک‌آموزشی

فکر می‌کردید رتبه دو تجربی بشوید؟

احتمال می‌دادم که زیر ده بشوم، ولی به صورت قطعی نمی‌توانستم بگویم که حتما رتبه‌ام تك‌رقمی خواهم شد. در مورد درصدها هم نمی‌توانم دقیق بگویم چون هنوز کارنامه اولیه را ندارم. ولی پیش فرض خودم این است که به‌عنوان مثال ریاضی‌ام را بالای ۹۰درصد زده‌ام.

عضو موسسه آموزشی هم بودید؟

نه عضو هیچ‌کدام از این موسسات نبودم و کلا سه سال آخر را هم هیچ‌کلاس بیرون از مدرسه‌ای نمی‌رفتم. ولی آزمون‌ها را شرکت می‌کردم.

از این موسسات با شما تماسی گرفته شده است؟

بله، اتفاقا پیش از اعلام نتایج با من تماس گرفتند!

چطور فهمیده بودند که شما رتبه تك‌رقمی هستید؟

نمی‌دانم شاید براساس نمرات آزمون چیزهایی را فهمیده بودند. این‌که حدس زده بودند که من جزو رتبه‌های برتر خواهم بود.

جالب است که خیلی از این موسسات با دانش‌آموزان همکاری نداشتند، اما تماس می‌گیرند که می‌خواهیم بنر و بیلبورد بزنیم و بنویسیم که با ما همکاری داشتید! خیلی از دانش‌آموزان به‌واسطه نبود آگاهی‌شان این کار را می‌کنند.

شیوه درس خواندنتان چطور بود؟

روزهایی که مدرسه نمی‌رفتم روزی حدودا ده ساعت درس می‌خواندم. در روزهایی هم که مدرسه می‌رفتم بین شش تا هفت ساعت درس می‌خواندم.

چه رشته‌ای انتخاب می‌کنید؟

پزشکی دانشگاه تهران.

فرهنگ امیری

رتبه ۳ تجربی / شیراز

۳

رد پیشنهاد پول و بنر

فکر می‌کردید که رتبه سوم کنکور شوید؟

راستش قبل از کنکور با توجه به نتایج آزمون‌های آزمایشی نه فکر نمی‌کردم. فکر می‌کردم رتبه دو رقمی داشته باشم، اما وقتی کنکور را دادم و با کلیدها چك کردم احتمال می‌دادم که رتبه تك‌رقمی بیاورم.

پیش‌فرضی روی درصدهایت داری؟

قطعی که نیست هنوز اما فکر کنم ریاضی، فیزیك و شیمی را ۱۰۰ درصد زدم. زیست‌شناسی را ۹۵ و زمین‌شناسی را بالای ۸۰ درصد.

عضو موسسه خاصی هم بودید؟

از آزمون‌های آزمایشی استفاده و به‌صورت محدودی در کلاس‌های کنکور شرکت می‌کردم.

پیشنهادی هم از موسسات آموزشی داشتید؟

بله دیروز تماس‌هایی بوده که می‌خواستند اسم و عکسم را روی بنر آن موسسات در ازای پرداخت مبلغی بزنند که خب طبیعی است من قبول نکردم.

شیوه درس خواندنتان چطور بود؟

من روزهای تعطیل حدود ده ساعت در روز درس می‌خواندم. البته این تعداد ساعت با یك شیب افزایشی همراه بود. به این مفهوم که در تابستان با این مقدار ساعت در روز آغاز کردم و در میانه‌های زمستان به روزی ۱۳ ساعت هم رسید.

قصد دارید چه رشته‌ای انتخاب کنید؟

پزشکی دانشگاه شیراز.

اهل شبکه‌های اجتماعی هستید؟

از یك سال پیش کلا تلفن همراه را گذاشتم کنار. ولی گاهی شب‌ها که از کتابخانه برمی‌گشتم با گوشی مادر یا پدرم کانال‌های آموزشی و مشاوره‌ای را چك می‌کردم.